

مشاوره فلسفی: زمینه‌ای نو برای پژوهش و آموزش در زمینه‌های تربیتی^۱

دکتر یحیی قاندى^۲

جدال‌ها و مناقشه‌های مختلفی در مورد فلسفه، مشاوره فلسفی و حتی مشاوره و روان‌شناسی با مشاوره فلسفی بروز کرده است. برخی از چالش‌های آکادمیک، نظری یا غیر کاربردی دانستن فلسفه است. که از نظر برخی امتیاز فلسفه است زیرا فلسفه اساساً یک فعالیت نظری سطح بالاست که ارتباط مستقیمی با مسایل فردی و اجتماعی ندارد و یا دستکم ارتباطش دور است چنان‌که کوهن^۳ (۲۰۱۳) و لیندزس^۴ (به نقل از وایز^۵ ۲۰۱۳) به آن اشاره می‌کنند. و برخی دیگر آن را یک ضعف تلقی می‌کنند چنان‌که تیلور^۶ (۲۰۰۲) بر این باور است. بسته به این‌که در کدام دسته قرار داشته باشید مواجهه شما با مشاوره فلسفی متفاوت خواهد بود. برخی دیگر چون کاول^۷ (۱۹۹۹) معتقدند که می‌شود از روش‌ها و تکنیک‌های آکادمیک برای مواجهه با مشکلات واقعی مردم استفاده کرد. برخی مناقشه‌ها نیز در مورد تداخل و تشابه مشاوره فلسفی با مشاوره و روان‌درمانی است. این ادعا وجود دارد مشاوره فلسفی در واقع یا دخالت در مشاوره و روان‌درمانی است و یا شبیه آن است در عوض نظریه پردازان مشاوره فلسفی (تیلور، ۲۰۰۲؛ لیندزث، ۲۰۱۳؛ لاهو، ۲۰۱۳؛ کاول، ۱۹۹۹) تلاش کرده‌اند تا خود را متمایز کنند.

تعریف مشاوره فلسفی به شدت تحت تاثیر شیوه عمل سقراط است. به همین دلیل وایز (۲۰۱۵) بر این باور است که "توجه به سقراط به عنوان کسی که مشاوران فلسفی خود را وام‌دار او می‌دانند به نظر مناسب‌تر می‌رسد." وایز (۲۰۱۵) تیلور (۲۰۰۲)، لاهو (۱۹۹۵) و فاستولد (۲۰۱۵) تعریف‌هایی ارائه داده‌اند که متاثر از سقراط است اما آن‌ها مناقشه‌هایی در این باره دارند. ازین‌رو، چنان‌که والر (۲۰۱۳) پیشنهاد می‌کند به جای

۱. رساله دکتری سرکار خانم مریم پور آقا به راهنمایی یحیی قاندى و خانم پیلگرن و مشاوره ضرغامی و دکتر شفیع آبادی در همین زمینه است.

۲. دانشیار دانشگاه خوارزمی

۳. Elliot D. Cohen

۴. Anders Linseth

۵. Michael Noah Wise

۶. Jason Kwall

۷. Ran Lahav

تعريف مشاوره فلسفې ممكن است يكي از راه ها تعيين اين باشد كه مشاوره فلسفې چه چيزي هست و چه چيزي نيست.

به نظر وايز (۲۰۱۵) مشاوره فلسفې كمك به مردم براي احساس و تفكر در مورد چيز هاي برجسته يا متفاوت است. اما تيلور (۲۰۰۲) بر اين باور است كه تعريف مشاوره فلسفې تحت تاثير روش و عقيدة سقراط ممكن است باعث شود كه ما از جنبه هاي ديگر مشاوره فلسفې غفلت كنيم. او همچنين تعريف مشاوره فلسفې با ارجاع به سقراط را پاسخي مي داند كه برخي مشاوران فلسفې از ان استفاده مي كنند تا به كساني كه مشاوره فلسفې را سطح پايين يا غير آكادميك مي دانند، واكنش نشان دهند. به نظر تيلور چنين واكنشي مناسب نيست. پ كوهن (۲۰۱۳) از اين ادعاي تيلور حمايت مي كند و معتقد است كه سبب پيشرفت مشاوره فلسفې مي شود.

تيلور (۲۰۰۲) در مقاله خود تحت عنوان « ارزش اصلي مشاوره فلسفې » مي نويسد كه مشاوره فلسفې در واقع، عمل استخراج دانش مشاوره گيرنده را انجام مي دهد، كه از طريق سوال پرسشگري يك مشاور آموزش ديده و از طريق روش سفسطه، دانش مشاوره گيرنده كشف مي شود. تيلور اشاره مي كند كه، در نظر گرفتن مشاوره فلسفې به اين شيوه كه در آن مشاور جاي سقراط را مي گيرد و مشاوره گيرنده جاي مخاطبان سقراط، مي تواند گمراه كننده باشد. دليل آن است كه با اين ديده گاه به نظر مي رسد كه مشاور بايد خود را متعهد به ديده گاه افلاطوني ناموجهي راجع به ماهيت دانش و فرايندهاي كسب دانش كند، اما لهاو تعريفی ارائه مي دهد كه باز هم به ميزاني سقراطي است " مشاوره فلسفې به عنوان راهي براي افزايش دانش مشاوره گيرنده راجع به خود تلقی مي شود كه به فرد كمك مي كند تا ارزش هاي مورد احترامش را بشناسد، و تشخيص بدهد كه با كداميك از آن ها در تناقض هستند و پس از تفكر عميق، شايد برخي از آن ها را کنار بگذارد (لاهاو، ۱۹۹۵) مشاوران فلسفې كه به عنوان شغل اين كار را انجام مي دهند و به مشاوره گيرنده كمك مي كنند كه جهان بيني خود را براي حل مشكل و معضلي خاص باز طراحي كنند، سقراط نسبت به جهان بيني مشاوره گيرنده خودشان حالت انتقادي دارد (لاهاو، ۱۹۹۵). گرچه سقراط نسبت به مشاوران فلسفې معاصر، انتقاد بيشتري نسبت به جهان بيني مخاطب داشت، اما سقراط ديده گاه هاي آن ها را به عنوان جزء مركزي گفتگو مي پنداشت، و پاسخ آن ها به سوالات او بود كه مكالمه را پيش مي برد. اگر تسهيل خود اكتشافي براي مشاوره فلسفې مهم مي باشد كه هست، پس ديده گاهي كه سقراط در عمل استفاده مي كرد دقيقا روشي است كه تمام نظريه پردازان و مشاوران فلسفې به آن اعتقاد

دارند. نقش سقراط به عنوان یک مشاور قدیمی اغلب بجای این که ماهیت چنین مشاوره ای را تبیین کند، بیشتر بخاطر احترام گذاردن دیگران به این زمینه استفاده می شود. اما تیلور (۲۰۰۲) به دو دلیل، چنین امری نامبارک می داند؛ اول اینکه، چنین پیوند سطحی ای به سقراط، منافع قابل کسب برای درک مشاوره فلسفی از طریق بررسی دقیق اهداف و روش های سقراط را نادیده می گیرد. دلیل دوم که حائز اهمیت بیشتری نیز می باشد، با تمرکز صرف بر سقراط، طرفداران و مشاوران مشاوره فلسفی روش هایی که از طریق آن مشاوره فلسفی می تواند بر فلسفه اثر بگذارد را نادیده می گیرند. البته تیلور هیچ گاه اهمیت و نقش سقراط در مشاوره فلسفی را نادیده نمی گیرد (تیلور به نقل از کوهن، ۲۰۱۳: ۷۲-۷۱). باز هم ، فاستولد^۱ (۲۰۱۵) با توجه به شیوه فعالیت سقراط چنین برداشتی از دیدگاه سقراط داشته است: مشاوره فلسفی عبارت است از این که، مشاور خودش را برای پرسیدن سوال های مهم کنترل کند و از مشورت و دادن نظر خودش، خود داری کند. در حقیقت در این روش، مشاور، فضایی برای تفکر مراجع برای شناخت خودش ایجاد می کند (فاستولد به نقل از وایز، ۲۰۱۵: ۱۱). این مناقشه همین طور می تواند ادامه داشته باشد. از اینرو والر (۲۰۱۳) گرچه ضرورت داشتن تعریفی برای مشاوره فلسفی را می پذیرد اما برای انجام این کار پیشنهاد دیگری دارد: " بگوییم مشاوره فلسفی چه چیزی است؟ یا اینکه چه چیزی نیست؟ مشخص کردن اینکه مشاوره فلسفی چه چیزی نیست، ما را قادر می سازد که از آن چه که نیست، پرهیز نماییم. مشاوره تنها تمرینی برای توجیه رفتارهای بد مراجع و انتقال سرزنش به اشخاص محیطی به منظور ایجاد یک حس خوب در مراجع نیست. چرا که این عمل می تواند منجر شود مراجع در زندگی هرچه بیشتر حس ناخوشایند را تجربه کند، بطوری که تفسیر دوباره او از جهان کمتر و کمتر برای کسانی که در اطرافش هستند قابل تحمل می شود. مشاوره فلسفی نمی خواهد رضایت را در دنیایی که مشکلات واقعی برای حل کردن وجود دارد تشویق نماید. ما نمی خواهیم مراجعی را به وجود بیاورد که برایش همه حالت های امور^۲ به خوبی بقیه امور هستند، مراجعانی که توانایی تفکر اخلاقی و عمل اخلاقی را از دست داده اند." والر همچنین به نقش آموزشی مشاور فلسفی اشاره می کند و می گوید:

ممکن است دچار معرفت شناس نادرستی شویم که تفسیرهای خوش بینانه بی اساس را تشویق می کند. ما با مراجع متمایل به خودکشی که واقعا به روابط اجتماعی بی علاقه است یا زنی که اخراج شده به دلیل اینکه واقعا

۱. Morten Fastvold

۲. Affairs

بی کفایت است، چه کار باید بکنیم؟ آیا ما به سادگی می توانیم به آن ها بگوییم که تجارشان را باز تعریف کنند. والر پیشنهاد می کند که محدودیت های تفسیر دوباره اتفاقات گذشته را بپذیریم. مشاور می تواند به رفتارها و تفکرات گذشته مراجع برچسب هایی به عنوان نامطلوب، بی حاصل، و خود مخرب بزند در حالی که هنوز هم یک چرخش مثبت به رفتارهای احتمالی در آینده ارائه می دهد. دومین مسئولیت مشاور خودداری از رفتار کردن به عنوان کسی است که، جهان بینی خود را حقیقت مطلق می داند. بنابراین تجارب گذشته می تواند هم تهدید باشد و هم مزیت، این مشاور فلسفی است که با تعریف مجدد، نقش و بار معنایی مثبت یا منفی به اتفاقات می دهد. والر معتقد است که، مشاور فلسفی نقش نخستین اش متخصص معرفت شناسی (وقتی مزایا قابل توجیه و درست هستند) است و دوم چون یک مربی تفسیرگر (زمانی که مزایا به عنوان مزیت یا تهدید تفسیر می شوند) (والر به نقل از کوهن، ۲۰۱۳).

زمینه ها و پرسش ها برای پژوهش

۱. نسبت مشاوره فلسفی و روان شناسی
۲. نسبت مشاوره فلسفی و مشاوره مرسوم (ویژه رویکرد شناختی و ایس)
۳. مشاوره فلسفی و روان درمانی
۴. مشاوره فلسفی و مشاوره مذهبی
۵. روش های مشاوره فلسفی (سقراطی، حس گرایی، رواقی، تحلیلی؛ عقلانی و منطقی، و غیره)
۶. بنیادهای فلسفی مشاوره فلسفی

پرسش ها

۱. مشاوره فلسفی دقیقا چه فعالیت هایی انجام می دهد؟
۲. آیا مشاوره فلسفی درمان می کند؟
۳. مشاوره فلسفی واقعا تا چه اندازه فلسفی است؟ یا تا چه اندازه مشاوره است؟
۴. خود مشاوره مرسوم تا چه اندازه وام دار فلسفه است؟
۵. مشاوره در ایران تا چه اندازه (یا چرا) از فلسفه گریزان است؟

۶. مراد از فلسفه در مشاوره فلسفی چیست؟

۷. نابسامانی ها در ادراک نظریه ها و روشها در مشاوره و روان درمانی تا چه اندازه ناشی از بی فلسفه ای است؟

۸. رویکرد شناختی و نسبتش با مشاوره فلسفی چیست؟ آیا شناخت همان است که برخی مجالات تحت همین نام پی گیری می کنند؟

۹. جایگاه نظریه های شناخت شناسانه در مشاوره، مشاوره فلسفی و روان درمانی چیست؟

۱۰. تحولات در تاریخ نظریه ایس توسط خودش یا دیگران تا چه اندازه ناشی از ادراکات فلسفی او بود؟

۱۱. مشاوره فلسفی آیا (و چگونه) می تواند روشهای نگرستن و آموزش را در نظام آموزشی فعلی بویژه در رشته های مشاوره روان شناسی و علوم تربیتی تغییر دهد؟

منابع

- Ellio, C., Samuel, J. Z. (2013). *Philosophy, Counseling, and Psychotherapy*, Cambridge Scholars Publishing.
- Ander, L. (2012): Being Ill as an Inevitable Life Topic: Possibilities of Philosophical Practice in Health Care and Psychotherapy, *PHILOSOPHICAL PRACTICE, Journal of the APPA*, 7 (30).
- Weiss, M. N.(2015),” *The Socratic Handbook*”, LIT VERLAG GmbH & Co. KG Wien, CH-8032 Zurich.
- Waller, S. (2002)” How Dose Philosophical counseling Work? Judgment and Interpretation” *International Journal of philosophical Practice* 1(2)1-13.
- Stacey, J. T. (2002):”The Central Value Of Philosophical Counseling”, *International Journal of philosophical Practice* 1(2)1-13.
- Ran, L. (1993). Using Analytic Philosophy in Philosophical Counselling , *Journal of Applied Philosophy*, 10 (2) October.
- Kawall, N. (1999)”An Introductory Exercise in Articulating Values ,”*APA Newsletter on Teaching Philosophy* 99 4-7.